

تشنج منطقه در خدمت اهداف استراتژیک ایالات متحده آمریکا

آزاد شدگان از اسارتگاههای جنگ! به وطن خوش آمدید!

سرانجام ظرف روزهای گذشته هزاران تن از موموستان ما که طی هشت سال جنگ ایران و عراق به اسارت رژیم صدام درآمده بودند آزاد شدند و به آغوش خانواده هایشان بازگشتند. همچنین است سرنوشت هزاران اسیر عراقی که از اردوگاههای جمهوری اسلامی به سوی میهنشان روانه شدند. جریان تبادل اسرا هنوز ادامه دارد. حزب توده ایران به نوبه خود بازگشت دهها هزار مومون را که چه در راه دفاع از میهن و دفع تجاوز دشمن و چه به خاطر سیاست های توسعه طلبانه گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی سالها درد غیرت و رنج روحی و جسمی اسارتگاهها را تحمل کرده اند، به خود آنها و به خانواده هایشان صمیمانه شادباش می گوید.

دراین میان جای عزیزان بسیاری خالی است که در جریان جنگ ناپدید شدند و

ادامه در ص ۷

وضع در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه گذشت، صدای نخستین شلیک های گلوله - خوشبختانه شلیک های هشداری - طین انداز شد و فضای منطقه بیش از بیش آنکه از بوی باروت گردید.

در اوضاع و احوال کنونی، با توجه به عوامل ادامه در ص ۲

ازگان مرکزی هزب توده ایران

شماره ۳۲۷، دوره هشتم،
سال هفتم، ۱۳۶۹ شهریور

یکسالگی کابینه آقای رفسنجانی:

نه رونق، نه ثبات

تجربه یک سال گذشته بیانگر آن است که هر اقدام و سیاست حتی مشتب دلت در چم و خم اختلافات درون حکومتی و کشمکش جناحها از نفس می افتد و از تاثیرگذاری جدی بر اوضاع باز ماند.

به بهبود وضع امیدی داشت.
دراینجا به هیچ وجه بحث پرس انتظارات آنچنان از کارنامه یکساله دولت رفسنجانی نیست.
نه اعجم سرمایه گذاریهای زیربنایی، نه رشد سریع تولید ناخالص ملی و درآمد سوانه، نه پایان دادن به بیکاری و آوارگی نزدیک به ۷ میلیون نفر از ادامه در ص ۲

هفتم شهریورماه سال گذشته مجلس شورای اسلامی به کابینه آقای رفسنجانی رای اعتماد داد.
اکنون یک سال از دولتمردانه این کابینه می گذرد.
نکاهی به کارنامه یکساله دولت و موافقی که برس راه آن بوده است، شاید تا حدودی چشم انداز آینده را نیز روشن کند.

کابینه آقای رفسنجانی از همان ابتدا نیز برخلاف دولت آقای موسوی و اسلاماف ایشان، از نوع "دولت خدمتکار امام" تلقی نمی شد و مرگ خمینی "موهبتی" بود که به "جدید نظر مطبلان" درون حاکمیت امکان دهد تا برای تأمین ادامه حیات جمهوری اسلامی نفعه تازه ای ساز کنند. می توان گفت که در بین قدردانه ای راهنمایی و پارانش تا اندازه ای از استعداد این کار نیز برخوردار بودند. آنها علیرغم شریک و سهیم بودن در کارنامه ده ساله حاکمیت خمینی، دور تازه را با برخی واقع بینی ها در سیاست خارجی و داخلی و "خدمتی زدایی خزندگان" در این عرصه ها آغاز کردند. البته بناگاههای تبلیغاتی غرب در ایجاد زمینه روانی و توهمندی در این ارتباط دریغ نکردند و وسائل ارتباط جمعی رزم نیز از "رهبران جدید" و "دوران جدید" بسیار دم زدند. خود رفسنجانی کابینه اش را "کابینه کار" نامید و از چشم انداز رونق اقتصادی و ثبات سیاسی سخن گفت. وی در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود پس از معرفی کابینه، ضرورت برقراری روابط با آمریکا و ترمیم و تحریم روابط با اروپا و کشورهای عربی منطقه را مطرح کرد و پیرامون مسائل اقتصادی جدی تر از همیشه بخش خصوصی و صاحبان سرمایه های کلان را به سرمایه گذاری در عرصه تولید دعوت نمود. او اطمینان داد که جنگ با عراق از سرگرفته نخواهد شد و از تیروهای متخصص ایرانی در خارج از کشور خواست که برای شرکت در سازندگی به میهن بازگردد.

اما آنچه در عمل ظرف این یک سال اتفاق افتاد نشان داد که ساختار رژیم "ولایت فقیه"، پر تاقش تر و بحران زده تر از آن است که با "عمل کرانی" آقای رفسنجانی و کابینه ای اندک متفاوت با گذشته بتوان

آیا سومین پیحران پیزرگ نفتی در راه است؟

پیحران کوتاه مدت نباشد پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن چگونه خواهد بود؟
باید توجه کرد که مجموع تولید جهانی نفت بیش از ۵۰ میلیون بشکه در روز است که ۲۲/۵ میلیون بشکه از آن را کشورهای "عضو" اوبک" تولید می کنند. بنابراین ظاهرا چنین به نظر می رسد که خروج سهمیه عراق و کویت از بازار بورس با توجه به اینکه اجلال سوق الماده اخیر "اویک" تضمیم گرفته است تا این خلاه را پر کند، بنابراین پیحران نفت را گسترد و مولوای سازد. اما دراینجا مسائل دیگری نیز مطرح است، یک چهارم نفت کوتاه جهان را خلیج فارس تامین می کند و ۶۶ درصد ادامه در ص ۲

پیحران سیاسی - نظامی خلیج فارس موج بروز یکی از بزرگترین پیحران های نفتی می دهد های اخیر شده است. برای خروج سهمیه عراق و کویت یعنی روزانه ۴/۴ میلیون بشکه نفت از بازار جهانی، و از آن مهمتر سرنوشت نامعلوم ذخایر نفتی خلیج فارس، طی هفته های گذشته بهای هریشکه نفت تا ۱/۵ برابر قیمت رسمی "اویک" یعنی حدود ۲۲ دلار رسید. این در حالی است که یک هفته قبل از عمله عراق به کویت، اجلال نوبتی "اویک" افزایش تنبیه ۲ دلار برای هریشکه را موقتی بزرگی برای خود ارزیابی کرده بود. اکنون این سؤال پیش می آید که آیا پیحران بازار نفت کوتاه مدت خواهد بود یا درازمدت؟ در صورتیکه این

یادواره رفقای شهید:

حسن، رضا و جواد
محمد زاده

ص ۴ و ۵

بدروود با

مهردی اخوان ثالث

و دکتر خانلری ص ۶

زنده باد آزادی و صلح ، طرد باد رژیم "ولایت فقیه" !



در کمیته مبارزه با مواد مخدر اراک،

- می خواهی پدر از این یک کیلو و چهارده لول تریاک فقط چهارده لولش را بنویسم و به مرکز اعزامت کنم؟
- خداوند عمرت را زیاد کنه برادر، اینکه پرسشن ندارما

در دادستانی مرکز:

- پدر همش همینه، هشت لول؟
ه هشت لول؟ آره آره هشت لول
اگر قول بدی که من بعد مواد حمل
نکنی بروایت سه لول خواهم نوشست.
- به قرآن قسم قول می دهم!

کروبی در مصاحبه با رسالت:

س- می گویند شما در پانکهای خارجی
مبالغ هنگفتی پول واریز کرده اید. آیا درست
است؟
ج- آری، دشمنان و بدخواهان برای بد نام
کردن من دست به چنین عملی زده اند!

اگرچه این روندی است بغیر و نیازمند تحولات جدی، از جمله کتابنهاون اصل خدمتکاریک و ارجاعی "لایت فیلم"، اما بدون این تحولات در شرایط ادامه حیات ساختار "لایت فیلم" بازم در برخمنی پاشته خواهد چرخید و کابینه آقای رفسنجانی نیز راه به جانی خواهد برد.

ماهانه ۴۵۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار بردازد نفتی اش افزوده می شود. در صورت ثبیت قیمتها در سطح کنونی، همچنین اتحاد شوروی تا پایان سال جاری میلادی ۷/۵ میلیارد دلار سود می برد و اضافه درآمد مجموعه کشورهای تولید کننده غیراویک ماهانه سر به ۸/۵ میلیارد دلار می زند.

تجربه، گذشته نشان داده است که توسعه های شدید بهای نفت که حدتا در جریان بحران های سیاسی در منطقه ایجاد نیز ویا حتی پیامدهای سیاسی منطقه را برمی نزند ویا حتی پیامدهای سیاسی منطقه در برداشته باشد. برای نمونه در عراق روندهای سیاسی دو دهه اخیر با درآمد نفت و یا تزریق دلارهای نفتی توسط دولت دوستان رژیم صدام حسین پیوند تنگاتنگی داشته است. واقعیت این است که افزایش های نفتی در سایر مواد خام و انرژی زا متناسب و همروند با سطح قیمتها در مجموعه بازار جهانی کالا، می تواند هم به رشد موزون کشورهای تولید کننده نفت و هم سوق یا لفظ جهان به سوی نظام نوین و عادلانه اقتصادی پاری رساند. اما تنشه های اقتصادی و توسعه شدید قیمتها علت تأثیر عوامل شده افزایش و کاهش ناگهانی درآمدها و عدم توازن در بودجه پندیهای اقتصادی کشورها را دامن می زند.

کشاورزی نقش بسیار جدی داشته است.

برابر آمار رسمی، فعالیت ۶ ماهه اول بازار بورس تهران تنها ۵ میلیارد ریال یعنی حدوداً یک سی و ششم تقدیمگی بخشن خصوصی است. این آمار به تنهایی میزان بی اعتمانی سرمایه بخش خصوصی را به شرکت در امر تولید یعنی تامین اولین شرط توقف رشد تورم و آغاز رونق اقتصادی نشان می دهد. طرح های ارزی مختلف دولت نیز در عین اختلاف رسمی به بی ارزش شدن بول رایج کشور، حمله منزد توانته است در کنترل قیمت انواع ارز و حذف سیستم چند ترخی در کشور موقتی به دست آورد.

در ارتباط با جذب نیروی انسانی لازم جهت اجرای برنامه های کوتاه مدت و درازمدت نیز، دعوت های مکرر دولت رفسنجانی از متخصصین ایرانی خارج از کشور، و یا چاره اندیشه های مربوط به تربیت کادر ملی در مراکز آموزشی با موقعیت روپرور شده است.

همه واقعیت های یاد شده این سیمای عمومی را برای کابینه آقای رفسنجانی ترسیم می کند که دولت میزور درگیر مغلقاتی به مراتب پیچیده تر و عميق تر از فالن مشکل فنی و بیمهان مسلله مالی است که در صورت رفع این مشکلات بتواند در سامان دهی بحران اقتصادی و اجتماعی کشور نقش اساسی ایفا کند. ممکن است کشاورش هایی از نوع افزایش درآمد ارزی که اکنون به خاطر وضع بعضی بحرانی منطقه و افزایش بهای نفت بطور متوسط تا ۴۰ میلیون دلار در ماه می رسد دولت را در وضع بحران مالی باری دهد، اما این امر مغلقات اساسی دولت در غلبه بر بحران ساختاری را حل نخواهد کرد.

ما ریشه این مغلقات را در فقدان دمکراسی در جامعه می دانیم. استقرار دمکراسی سیاسی و یا حتی سمت گیری در جهت آن، نه تنها به شرکت عموم اشاره و طبقات مردم و بیانکران منافع آنها در راه پایی مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور کمک می کند، بلکه اختلالات و جناب پندیهای سیاسی درون جامعه را که بازتاب گرایش های مختلف اجتماعی به شکل موزون و قابل مهار در حاکمیتی مبتنی بر پلورالیزم سیاسی سامان می دهد.

آیا سومهین...

بنابراین می توان گفت که بحران بازار نفت و نوسان قیمتها، پیش و پیش از آنکه متأثر از عوامل اقتصادی و نقش انصارهای نفتی و "اویک" باشد، بطور مستقیم تحت تاثیر عوامل سیاسی در منطقه است. پیامدهای اقتصادی چنین بحرانی از هرمنظر قابل توجه است.

کشورهای صنعتی مصرف کننده نفت به ذخیره کردن نفت روی آورده اند و ذخیره های کنونی خود را با احتیاط و چاره اندیشه های ویژه مصرف می کنند. از جمله بهای فرآورده های نفتی محصول این کشورها سیر صعودی طی می کند و کشورهایی نظیر عربستان و امارات متعدد عربی به افزایش فوق العاده استخراج و فروش نفت ترغیب می شوند. سودهای اگرنه شاید درازمدت، اما هنگفت، برخی از تولید کنندگان را به وجود آورده و این در شرایطی است که کشورهای در حال توسعه قادر منابع نفت، چشم انداز اقتصادی تیره تری را پیش روی خود دارند.

در حال حاضر، جیران سهمیه تولید عراق و کویت برای سایر اعضای "اویک" حدود ۱۵۰ میلیون دلار در روز افزایش درآمد به همراه دارد. ایران

یکسالگی کابینه ...

همطنان ما، نه هایان اختناق و سرکوب، و نه زدایش سیاهکاریهای فرهنگی ۱۰ سال حکومت خمینی، هیچ یک نه در ماهیت و توانایی این دولت است و نه انتقام آن واقع بینانه است. بعثت تنها برسر یک گام به جلو یعنی توقف سیر صعودی گرانی، تورم، اعتیاد، فساد اداری و بی عدالتی است که جامه را به خاک سپاه نشانده است.

واقعیتها نشان می دهد که در این یک سال موقتی در این زمینه به دست نیامده است. در

حرصه اقتصادی صرف نظر از اینکه برنامه پیشنهادی دولت رفسنجانی به دلیل عدم احتیاط بر واقعیت های اقتصادی کشور نمی تواند مورد تایید ما باشد، اما الزامات حقق چنین برنامه ای نیز که در گام اول باید به راه اندازی صنایع وابسته موجود کشور کمک کند قابل تامین نیست. سرمایه گذاری خارجی و داخلی در درجه اول نیازمند ثبات سیاسی است و چنین ثباتی در چارچوب ساختار کنونی رژیم قابل حصول نیست.

تجربه یک سال گذشته پیانک آن است که هر اقدام و سیاست حتی مثبت دولت در چم و خم اختلافات درون حکومتی و کشمکش جناحها از نفس می آند و از تائیرگذاری جدی بر اوضاع باز می ماند. سیاست خروج از انزوای بین المللی اگر در وزارت امور خارجه از تحرکی برخوردار است، اما در کشمکش های درونی رژیم نیز با بن بست مواجه است. عدم موقتی تلاش های رئیس بانک مرکزی در راس یک هیئت اقتصادی برای جلب نظر صندوق بین المللی پول و بانک بین المللی ترمیم و توسعه، از جمله به دلیل همین انزوا و عدم تامین شرایط سیاسی این منابع بوده است.

ثبات سیاسی برای سرمایه گذاری داخلی نیز از اهمیت جدی برخوردار است. علاوه بر وجود زمینه های مساعد برای رشد انگلی اقتصاد مجباری که واه سرمایه را به روی اقتصاد صنعتی می بندد، بی ثباتی رژیم نیز در شکست سیاست جذب تقدیمکی عظیم بخشن خصوصی به سرمایه گذاری در بخش صنایع و

ذخایر کنونی یعنی یک تریلیون بشکه نفت، در این منطقه قرار دارد. این در حالی است که ذخیره مصرفی ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی مصرف کننده عده می تواند نفت از حدود ۲ میلیارد بشکه تجاوز نمی کند. در آمریکا برای ۱۰۰ روز، در ژانویه ۱۳۰ روز و در آلمان قدرال ۱۲۵ روز ذخیره استراتژیک نفت وجود دارد. بنابراین وضع صنایع و اقتصاد این کشورها بطور روزافزونی به سرنوشت ذخایر خلیج فارس و اوپاوا نازارا منطقه ارتباط می پاید و برای این کشورها ایجاد نکرانی می کند.

چنانچه بحران سیاسی - نظام منطقه بزویدی فروکش نکند، اینداد بحران نفت نیز می تواند محدود شود. اما طولانی شدن وضع مشنج کنونی از وقوع سوین بحران نفت طی سه دهه اخیر خیر می دهد. همه شواهد حاکی از آن است که چه حل بحران از راههای سیاسی - اقتصادی در چارچوب قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد سورت گیرد و چه منطقه به ورطه خلزناک و فاجعه بار رویارویی نظامی کشیده شود، بازار جهانی نفت تا حد قابل توجهی در بحران پسر خواهد برد. تردیدی نیست که در صورت آسیب دیدن تأسیسات نفتی در منطقه، این بحران در جهت افزایش فوق العاده و بیسابقه بهای نفت سیر خواهد کرد.

تشنج منطقه ...

دیگر اضای فورای امنیت به منظور اتخاذ تدابیر جمعی به مشور پرداخت. همکاری با ایالات متحده آمریکا خصلت بیسابقه ای به خود گرفت. تماس داشتی بین مسکو و واشنگتن و نیز جامعه اروپا برقرار گردید. با گذشت، معاون سدر اعظم آلمان غربی، نیز وزیر امور خارجه فرانسه و ژاپن تبدل نظر به عمل آمد. توجه نیزه ای به گفتگوی سیاسی با کشورهای هری و رهبری جامعه حرب و سازمان آزادیبخش فلسطین مذول گردید. رهبران اتحاد سوری اجازه ندادند ارتباط را برای هر قیمتی برای یک روز قطع شود. نیزه خارجه عربستان سعودی و معاون رئیس جمهور عراق به سکوی سفر گردند.

ازون برآن پرسکوپیار سفر خود به خاور نزدیک را در روز هشتم شهریور آغاز کرد و در "آمان" با نیزه امور خارجه عراق، دیدار گردید. وزیر امور خارجه کشورهای عضو جامعه حرب در هشتم شهریور در قاهره گرد آمدند. مصر هم به نوبه خود تلاش های دیپلماتیک پرداخته ای را دنبال می کند. نخست وزیر هند خواستار آن شد که کشورهای غیرمتمهد با ابتکار عمل در سازمان ملل متحد به نفع سامان دهی سریع و صلح آمیز بحران موضع گیری کنند.

در این روزها رهبران کشورهای عربی از نظر دیپلماتیک به شکل بیسابقه ای فعال بودند و سی کردن که در شرایط فوق الماده کوتی راه حل صلح آمیزی پیدا کنند که مورد قبول همه طرفها باشد. رئیس جمهور مصر گفتگوهای چهار ساعت ای در اسکندریه با حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه داشت. هر دو طرف "هرگزور عربی را که به کشور عرب دیگری تجاوز کند" محکوم گردند و با قربانیان این تجاوز ابراز ممتنگی نمودند. ملک حسین پادشاه اردن پاروسی جمهور تونس و الجزاير دیدار داشت. ملک حسین کشورهای عربی را فرا خواند تا از عملیاتی که باعث دخالت خارجی در امور آنها شود، پرهیز کنند.

۵- از شرایط بحرانی کوتی بویژه امپریالیسم آمریکا و متحداش تلاش می ورزند حداکثر بهره برداری را به عمل آورند. در این منکامه، امپریالیسم آمریکا می کوشد ضمن تغییر توازن استراتژیک نیروها بسود خود، به تحکیم موضع و پایگاههای نظامی و صالاً سیاسی و اقتصادی در این منطقه حساس نفت خیز پردازه، و سریلایهای مطمئن تری برای غارت متابع ترور ملی خلقتها بخصوص تامین نظارت هرچه فعالتر بر جریان تولید و صدور نفت پیاپید. درین حال امپریالیسم آمریکا می خواهد نقص "دوست" و "حامی" را برای دولتهای عربی بازی کند.

ایالات متحده آمریکا با تمرکز بیسابقه نیرو در منطقه، همچنین دست زدن به اقدامات پیگانه و ماجراجویانه و رد هرگونه مذاکره با عارض دروغان کام به عرصه حریضانگی می گذارد. هنوز دیر نیست و می توان جلوی توقع فاجعه را گرفت. صد الیت در این راه تجاوزگری و الحقاق یک کشور مستقل به کشور دیگر برای جامعه جهانی قابل تحمل نیست. اقدامات جمی کشورها در چارچوب تصمیمات و قلمنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد مناسب ترین راه برای گشودن کلاف سردرگم بحران موجود می تواند باشد. تجاوز عراق در منطقه حساس خلیج فارس در کنار چاههای نفت، نه تنها دارای خطر منطقه ای، بلکه یک خطر جدی بین المللی و یک بازی شوم با صلح و امنیت جهانی است. دقیقاً به همین دلیل نیز هست که باید اقدامات های شورای امنیت را یک خطر جدی دیگر برای صلح و ثبات جهانی دانست.

کرده است. جریان برق و آب به سفارتخانه های آمریکا و فرانسه قطع شده است. در همان حال، "شورای فرماندهی عراق" نیز از مردم عراق و کویت خواست که ممه خارجیان را بی درنگ به مقامات مسئول معزیز کنند.

از سوی دیگر "کی میت"، معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا اعلام داشت که تدابیر اتخاذ شده توسط شورای امنیت علیه عراق از اکنون رفته رفته تأثیرات خود را بر پوشیده این کشور بر جای می گذارد. او از جمله گفت: این قبل مجازات ها روز به روز اثرات دردناکتری با خود به همراه می آورند. این امر در کامش حجم واردات کالاها و نیز واردات پولی به عراق غایبان شده است. ما اقدامات توپیدانه عراق را برای دوری از پیامدهای مجازاتها دنبال می کنیم و همراه دیگر کشورها، سی در جلوگیری از این تلاشها داریم. ما مختلف ورود وسایل و امکاناتی برای سلام حسین هستیم که به قول خود او از آنها نه برای مردم بلکه برای تامین ارتقی میلیونی خود بهره می گیرد".

۶- روند مبارزه حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در منطقه.

به نوشته مطبوعات، مبارزان جنبش مقاومت کویت، بطور پیکر عملیات خود علیه ارتقی اشغالگر را ادامه می دهند. بنابرگزارش رادیو مونت کارلو، آنها یک رفته اند. برایه یک گزارش دیگر پایتخت کویت اخراج داده اند. برایه یک گزارش دیگر رزمدگان کویتی به سریازان ارتقی اشغالگر عراق در مناطق مختلف پایتخت کویت حمله کرده اند و دو سریاز عراقی را تخریب و چند نفر را به آتش کشیده اند. چریکها به چند ستون از کامپیونهای ارتقی در مناطق جنوبی کشور حمله برده و بطور موقع انتقال ارتقی عراق در مناطق مرزی را متوقف کرده اند.

سیاست تجاوزگران عراق در درون نیروهای

مسلمان این کشور نیز موجی از مخالفت را برانگیخته است. فرار روزانه سریازان عراقی که غیر خواهد در یک چنگ بیوهده و تجاوزگرانه شرکت کنند حکایت از این واقعیت دارد.

در عین حال، دولت در تدبیر کویت با گسترش فعالیت های دیپلماتیک خود تلاش می ورزد بینه نظامی ارتقی خود را که در خاک عربستان مستقر است تقویت کند. نیزه خارجه کویت اعلام داشت که "قطع کویت به مقاومت ادامه می دهد. هدف نهانی نیروهای کویتی مستقر در عراق است. او میجنین گفت که عراقیها آزادسازی کویت است". او میجنین گفت که عراقیها توانستند تبروی هاوی کویت را به تصرف درآورند و هاویکر کرده اند.

۷- عراق در شرایط تحریم اقتصادی و محاصره

از سوی دیگر، در محافل سیاسی ایالات متحده آمریکا، بحث های دیپلماتیک خود تلاش می ورزد بینه نظامی خود در کویت را به ۱۶۰ هزار تن رسانده است، هفته گذشته اعلام داشت که کویت نوزدهمین استان عراق است و "صدایه" نامیده خواهد شد. در این رابطه، سدام حسین گفت که شوری به نام کویت وجود خارجی نداشته و ندارد و این کشور بطور مصنوعی از طرف بریتانیا تشکیل شده و از سوی "سیا" ی آمریکا مورد حمایت قرار گرفته است تا عراق را از سریزین های اصلی خود محروم سازند.

عراق فشار بر شهروندان خارجی مقیم این کشور و کویت را تشدید می کند. رژیم سدام که نیروهای بدون توجه به قلمنامه های شورای امنیت سازمان ملل متعدد شهروندان کشورهای اروپای غربی را به عنوان گروگان نمک داشته است و اعلام نمود که نایاندگی های دیپلماتیک را که از انجام خواست بدداد درباره قطع قیامت آنها امتناع ورزند، از ارتباط با دنیای خارج محروم خواهد شد. ارتقی، سفارتخانه های آمریکا، بریتانیا و فرانسه را بطور کامل محاصره

گوناگون تاثیرگذار نمی توان از "تشدید بحران"، "انفجار" و احتمال وقوع چنگ یا درگیری های محدود میان ایالات متحده آمریکا و عراق، حتی قطع نظر از خواست و تماشان، سخن نکفت. با توجه به ژریش فراینده این بحران است که نظامیان اسرائیل می گویند تها روزانی تا انفجار باقی مانده است.

حال برای تحلیل این اوضاع فوق العاده پیچیده، برخی از همترین روندها و پدیده هایی که بطور عینی برسی و سرنوشت محولات آتی اثر می گذارند را با اینکاه به واسطه رویدادهای روزهای گذشته به گونه ای گذرا مرور و بررسی می کنیم:

۱- تلاش امپریالیسم آمریکا و هم پیمانش برای تشدید حضور نظامی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه ادامه دارد. رزم ناو ویسکانتین که مجذب به توهیه ای اینچ و موشک های بالدار است و میزدگار است. به اینچ و موشک های بالدار است و میزدگار

تواند به راحتی هر امأجی را در عراق هدف گیری کند، وارد آبیهای خلیج فارس شده است. به گفته شبکه تلویزیونی "ای - بی - سی" یک تیپ از کماندوهای "دلتا" نیز وارد این منطقه شده، که اغلب آنها عملیات آزادی گروگانها را آموزش دیده اند. انتقال ۴ هزار نیروی ذخیره ارتقی آمریکا به منطقه نیز آغاز شده است. به گفته مقامات نظامی پهتگون، "فرماندهی مرکزی" از پایکاه هاوی مک دیل در تامس (ایالات فلوریدا) به عربستان سعودی منتقل پیدا می کند. هم اکنون حدود ۸۰ ناوجنگی از چمه ناوهای هاوی میباشد در منطقه حضور دارند و ۱۲۰ هواپیمای چنگده راهی خلیج فارس گردید. روز ششم شهریور نیز

تمدادی تانکهای سنگین ام - یک، زره پوشای "بردل" و تپخانه سنگین از طریق دریا به عربستان سعودی تحول داده شد. چنانکه نایاندگی پهتگون اعلام حکایت از این واقعیت دارد.

در عین حال، دولت در تعداد نظامیان آمریکایی مستقر در منطقه، بعد از رسیدن واحدهای تازه پیاده نظام دریایی بزوید به ۱۰۰ هزار نفر بالغ خواهد شد. از شروع بحران تا کنون، ایالات متحده آمریکا ۶۰ هزار نفر از نظامیان سرمهد را پایه نشاند. هفتاد و چند کشور هم از اینچ و موشک های بالدار است و میزدگار

راهی از تعداد نظامیان آمریکایی میگذرد. روز ششم شهریور نیز

بردلی" و تپخانه سنگین از طریق دریا به عربستان سعودی توجه کرته اند. گفتگو فرماندهی ناگان هفت امپریکا، رزم ناو "بلوریج" روز ششم

شهریور از پایکاه نظامی دریایی در ڈین خارج شد و تهدادی تانکهای سنگین ام - یک، زره پوشای "بردل" و تپخانه سنگین از طریق دریا به عربستان سعودی چنگده رویداروی یکدیگر قرار گرفته اند. گفتگو فرماندهی ناگان هفت امپریکا، رزم ناو "بلوریج" روز ششم

تهدادی تانکهای سنگین ام - یک، زره پوشای "بردل" و تپخانه سنگین از طریق دریا به عربستان سعودی توجه کرده اند.

۸- عراق در شرایط تحریم اقتصادی و محاصره از سوی دیگر، در محافل سیاسی ایالات متحده

آمریکا، بحث های دیپلماتیک خود را به ۱۶۰ هزار تن رسانده است، هفته گذشته اعلام داشت که کویت نوزدهمین

استان عراق است و "صدایه" نامیده خواهد شد. در این رابطه، سدام حسین گفت که عراقیها آزادسازی کویت است. او میجنین گفت که عراقیها توانستند تبروی هاوی کویت را به تصرف درآورند و هاویکر کرده اند.

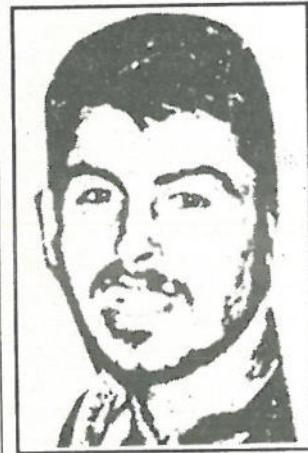
۹- عراق در شرایط تحریم اقتصادی و محاصره از سوی دیگر، در محافل سیاسی ایالات متحده

آمریکا، بحث های دیپلماتیک خود را به ۱۶۰ هزار تن رسانده است، هفته گذشته اعلام داشت که کویت نوزدهمین

یادواره سه برادر شهید توده ای، رفqa رضا، جواد و حسن محمد زاده

در جریان انقلاب بهمن و پس از آن کم نبودند خانواده هایی که چند تن از اعضای آنها در صفوف مجاهدین، فدائیان، توده ایها و سایر نیروهای سیاسی به پیکار اجتماعی روی آوردند، اما همه، اینها در فاصله زمانی کوتاهی آماج کن توزی نابکارانه رژیم استبدادی "ولایت فقیه" قرار گرفتند و داس مرگی فجع زندگی شرافتمدانه و پاکبازانه شان را درو کرد. رفqa رضا، جواد و حسن از آن زمرة اند.

رضا : اسطوره مقاومت



دادشتند، پرشدت فشارها افزودند و سراجخان این پاسدار قهرمان توده ای در ۸ خرداد ۱۳۶۲ یک ماه پس از دستگیری و روانه شکنجه گاه گردید. شهامت و پاییردی این رفیق در دفاع از آمنهایش مایه بیانکه به خواسته های رژیم تسليم تاب تحمل پایداری روزیه وار او را شود.

رفیق رضا محمدزاده در سال ۱۳۲۸ تولد یافت و در خانواده ای تنگدست در کوران رنج و نداری رشد کرد. پس از انقلاب در زمرة پاسداران حافظ انقلاب، در سپاه پاسداران مشغول فعالیت گردید. دیری نکذشت که به عنوان پاسدار محافظ بیت خمینی به "چماران" انتقال یافت. رفیق رضا به همراه برادر پرزرگش، حسن، به صفوف حزب توده ایران پیوست و در سازمان مخفی به

جواد : تسليم ناپذیر تا پای جان

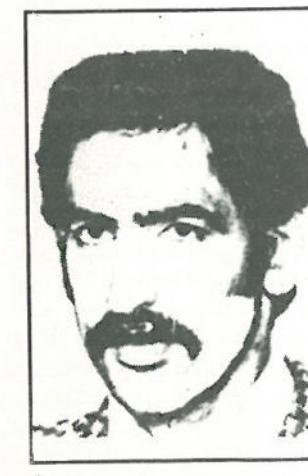


توانم در مقابل اینان تسليم شوم". دو سال از پایان محاکومیتش گذشته بود و او همچنان استوار از آرمانش پاسداری می کرد. سراجخان جلالان که از شکستن اراده او مایوس شده بودند، وی را همراه دیگر فرزندان انقلابی خلق به جوخه های اعدام سپردن.

زندان آزاد شود، نپذیرفت. او همیشه در سالن ملاقات با صدای رسا می گفت: "مادر من محاکومیتم تمام شده و آنها پاید مرا آزاد کنند. من به راه حزب ایمان دارم، انجزار من نسبت به دژخیان است که مرا همچنان دریند نگهداشتند. از من دلکری نشو. من هرگز ثابت نمایم که جلالان از او خواستند تا

رفیق جواد محمدزاده در سال ۱۳۴۰ به دنیا آمد. او نیز هماند برادرانش با چشیدن طعم قفر و مسکن بزرگ شد و همانند برادرانش راه حزب توده ایران را برگزید و در تشکیلات مخفی حزب فعالیتش را آغاز کرد. در جریان پورش به حزب توده ایران در بهار ۶۲ دستگیری و روانه شکنجه گاههای رژیم شد. در بیدادگاه به سه سال زندان محکوم گردید. او پس از گذراندن سه سال محکومیتش هنگامی که جلالان از او خواستند تا با ابراز انجزار و سپردن تعهد از

حسن : مظہر ایمانی خدشہ ناپذیر



۷ اردیبهشت ۶۲ دستگیر و روانه زندان شد. علیرغم شکنجه های وحشیانه او سکوت سنتیکش را نشکست و در بیدادگاه به شش سال زندان محکوم گردید. او که در طول مبارزه آموخته بود، با ایمان ترین مبارزان همیشه در مقدم ترین سنگرهای هستند، در آفرینش روح وحدت و همبستگی میان زندانیان نقش ویژه ای ایفا می نمود.

کرد. بنابراین به تحقیق و مطالعه روی آورد. در جریان مطالعه بیش از بیش از دوستان دیروزی خود فاصله گرفت و سراجخان به حقانیت راه و آرمانهای حزب توده ایران باورمند شد. به حزب توده ایران پوست و در این راه تا پایان وفادار ماند.

رفیق حسن به راه حزب این را آغاز کرد. پس از تبلیغات خصمانه این کروه به قول خودش خشک اندیش، از حزب توده ایران شدیداً منتظر گردید. اما اندک اندک مستله دار شد و همچگونه پاسخ منطقی از سوی گروه دریافت نمی

محکم باش رفیق!

تیام بهمن ماه ۵۷ مسلحانه از طرف حزب فرست کرده بود. نویس سخن که به دستگیری‌های فلی و بازجویان می‌رسد لحنی علیه پاسداران - دستگاه بازجویی - و رژیم تند و پرهاشکران است. آنها نکه بضمی ها ترجیح می‌دهند از جمع کثار رقت و به حرفاپیش کوش ندهند. چرا که حتی کوش دادن به چنین حرفاپیش را نیز خلرناک می‌دانند. حسن می‌گوید که بارها در اینجا شکنجه شده است. بیشتر از هرچیزی از او اطلاعاتی درباره مسئولیت هایش و همچنین محل استاد و مدارکی را که حزب در اختیارش گذاشته بود من خواستند. بارها او را شلاق می‌زنند.

حسن چند هنر ای را دریند ما بود و در همان اولین روزها توابین فرمیدند که حتی در چنان جو سنگینی که علیه توده ای ما وجود داشت، پیش حسن نمی‌توانند به حزب بدپیراه بگویند. حسن در چنان شرایطی مقابل آنها می‌ایستاد و از حزب و آرمان خود دفاع می‌کرد. در این روزها او در کلاس‌های درس مختلطی که زندانیان برگزار می‌کردن شرکت می‌کند، هیچ روزی از ورزش خالق نمی‌شود، گاه و بیگانه صدای سوت و آواز او از گوشش ای به گوش می‌رسید. ای چوانان، قهرمانان، چنان در ره میهن خود بدھیم بی محابا ...

یکی از زندانیان صاحب نام در مقابل حیرت چند تن از زندانیان از روحیه قهرمانانه حسن، می‌گوید:

"شاید ماها آدرس را عوضی رفته بودم ولی او خط سیاسی اش را به درستی انتخاب کرده است و خود می‌داند که باید از طبقه و حزب خودش دفاع کند."

حسن در نویت‌های حمام و دستشویی علیرغم اینکه چشم‌می‌بیند به چشم داشت و خطر توجه زندانیان جدی بود سعی می‌کرد با دیگر زندانیان تماش برقرار کند و از همه جا خبر پکیزد و به همه روحیه یدهد. او از همه درباره برادرش رضا پرسید:

"رفیقاً کسی به اسم رضا محمدزاده را نمی‌شناسید..."

و چند روز بعد نگرانیش را با ما درمیان می‌گذارد:

"این بیشرف‌ها حتی رضا را کشته‌اند،

هیچ خبری از او ندارم."

یک بار هنگام برگشت از حمام حسن را درین خودمان نمی‌بینم. بد از پرس و جو معلوم می‌شود که توابین او را به هنگام شمارنوسی به دیوار حمام زندان دیده و به پاسداران خبر داده اند. او این شعار را روی دیوار نوشته بود: "زندانی‌ای جمهوری اسلامی از خون توده ای ما گلکون است. زنده باد حزب توده ایران".

هیچ کس از او خبری ندارد. خیلی ها نگرانند. یعنی حسن را زیرشکنجه کشته‌اند؟ چند روز بعد وسایلش را از اتاق خواهند و دیگر ما از او خبری نداریم ...

اوایل تابستان ۶۲

... از کمیته مشترک به زندان این منتقل می‌شون. ما را چشم بسته سوار اتومبیل های نیسان کرده اند. در خیابان ها سروصدا

مکان: کمیته مشترک،
زمان: اوایل تابستان ۶۲

نگرانی در اتاق را باز می‌کند، زندانی تازه ای با چشم‌بندی به داخل می‌آید. چند نفر جلو می‌رونده و وسایلش را از دستش می‌گیرند. او چشم‌بند را برمی‌دارد و احوالپرسی شروع می‌شود. می‌گویند اینجا بند عموی است، آیا دستشویی هم مست و اگر بخواهی آبی به سروصوتت بزن. بعد از مختصری جایجا کردن وسایلش که طی آن متوجه می‌شون پای وی زخمی است، همه گردش جمع می‌شون و او آغاز می‌کند،

"من حسن محمد زاده، کارگر هستم و عضو

حزب توده ایران، شماها می‌توده ای مستید؟"

هر کس مختصری از خود می‌گیرد. حسن اشاغه می‌کند که وی با تشکیلات مخفی حزب فعالیت می‌کرده است. اتاق ما جو خوبی ندارد، با این وجود بسیاری زیر چشم و گوش توابین محظاهم سخن می‌گویند. یکی از بچه‌ها به پای او اشاره کرده و می‌پرسد:

- "تمزیرت کرده اند؟"

- "تمزیرت تمزیر یعنی چی؟ مرد که شلاق می‌زند احتراض می‌کرد که شکنجه برخلاف قانون اساسی است و بارما به همین علت که حاضر نشد به جای کلمه شکنجه تمزیر بگرم کنک خورد. آخرین هم گفت که این شلاق زندانها جزشکنجه اسم دیگری ندارد. گفت رجائی را یادتان می‌آید که در سازمان ملل جوراب‌هایش را برای نشان دادن آثار شکنجه ساواکی ها برپا نمایش درآورده؛ من هم روزی پاهایم را به نشانه آثار شکنجه شماها را به مکان نشان خواهم داد."

حسن اشاغه می‌کند که ۷ اردیبهشت به اتفاق همسرش (که هنین دستگیری حامله بوده است) و دو برادر کوچکتر از خودش (رضا و جواد) دستگیر شده است. دو فرزندش، یک دختر و یک پسر در خانه تنها مانده اند.

پیکی می‌پرسد:

- "الآن کی از بچه ها نگهداری می‌کند؟"

- "مردم! مردم بزرگشان خواهند کرد."

می‌پرسد که آیا ما از وضع همسر و دو برادرش خبری داریم؟ از همسر و پیکی از برادرانش (رضا) نگران است.

- می‌پرسد: "شما ها چی نکر می‌کنید، چه حکمی در انتظارمان هست؟"

- یکی می‌گوید ما که کار غیرقانونی نکرده ایم شاید خیلی سخت نگیرند.

- "ولی من فکر نمی‌کنم از اینجا غیر از ابد یا اعدام حکم دیگری بگیرم."

چند نفر درباره فعالیت هایش و تشکیلات مخفی می‌پرسند و او جواب می‌دهد:

- "قبل از انقلاب یک بار همراه گروهی که می‌خواستند برای جنگ می‌آمدند. یا هم اسرائیل به فلسطین بروند دستگیر و زندانی شدم." (۰.۱. به آذین در کتاب خود "همان این آقایان" اشاره ای به ملاقاتش با حسن، کارگر بخاری که روحیه -

پرشوری دارد کرده است). حسن از توزیع کنندگان اصلی نشریه "نیوی" در کارخانه ها و محلات کارگرنشین جنوب تهران بوده است و در

در اوج فشارها و یکه تازی های شکنجه گران علیه زندانیان سیاسی، در جواب یکی از این دزخیمان (به نام فرج پاسدار) که در جمع زندانیان به کمیته توده ای ایران فحاشی و توهین کرده بود، از جای برخاست و فریاد زد:

"کمیته‌ها انسانهای شرافتمندی هستند. اهانت نشانه عدم لیاقت و بی‌منظقه و بی‌ادبی است." پاسخ او به بازجو گران آمد و بلاгласله به دستور آخوند مرتضوی، رئیس زندان، او را چشم‌بند زد و کشان کشان به تاریخ‌خانه، انداختند. یک ماه شکنجه روحی و جسمی، رفیق قهقهه را به زانو درنیارود. پس از یک ماه که او را به بند برگرداندند، ده کیلو وزن کم کرده بود و چشم‌بندش کم سو شده بود. مقاومت و سرسختی رفیق حسن در مقابل جلالان زبانده همه همین‌دانش بود. در دادگاه به او گفتند: "تو مارکسیست - لینیست مستقل باش، اما عضو حزب توده ایران نباش تا تو را آزاد کنیم."

جواب داد:

"این به خود من مربوط است که چگونه بینیش و چکار کنم؟"

او از زمرة آن توده ای هایی بود که قبل از همه شمار وحدت عملی کلیه زندانیان سیاسی را مطرح ساخت و در آن شرایط جهنه‌ی تا عمق این مدق از پای نشست. توده ای ها، فدائی ها، مجاهدین و دیگر نیروهای متفرق و دمکراتیک به تواق عملی رسیدند. مبارزه برای احراق حقوق زندانیان سیاسی و به رسمیت شناخت آن آغاز شد و از پی بند دیگر و از بندها به کلیه زندانیان کشور فرا روید. مبارزه خواسته‌ای زندانیان یکی هی بند از دیگری بود که مقامات زندان مطرح گردید. زندانیان سیاسی در چارچوب این مقدار متحده، موفق به کسب امتیازات مینی شدند و مبارزه مشترک به مرحله سیاسی گام نهاد. خواسته‌ای مطرح شده در این مرحله عبارت بودند از: برداشت چشم‌بند، علنى شدن دادگاهها، حق خواندن پرونده و تعیین وکیل مدافع و قطع شکنجه های وحشیانه در تمام مراحل بازجویی. دامنه این اعتراضات و اغترابات به حد بود که خبر آن به رسانه های گروهی جهان نیز رسید و رژیم را مستحصل کرد.

از رفیق حسن سوال شده بود که باداشت یک تفکر مذهبی، چگونه راه حزب توده ایران را برگزید؟

جواب داد:

"انسان آنطور که زندگی می‌کند، فکر می‌کند. طیما شرایط زندگی و مصلح شدن به دانش او را وادار به پذیرش فلسفه خاصی می‌نماید. جریانات سیاسی و ایدئولوژیکی تها نیازی موقدند که نیازها و متنافع مستقیم توده های زحمتکش جامعه را سرلوحة کارخود قرار دهند و مردم را به حساب اورده و برحقائق و اتفاقیت های زمان خود تکیه کنند. هی می‌بینیم که شیوه زندگی روزمره و موقعیت طبقاتی، انگیزه ای بود که من با تمام خصوصت ذهنی ای که به سوسیالیسم و حزب توده ایران داشتم، سراسرگام راه حزب توده ایران را برگزیدم و التخاذل ضمیمت در آن را یافتam." آری، رفیق حسن با تمام وجودش به حقایق راه حزب توده ایران اعتقاد داشت. سراسرگام، این رفیق قهرمان و کارگر توده ای، در پنجم شهریور ماه ۷۷ به مردم جمع دیگری از های سرافراز، پیمان مقدس خود را با حزب تجدید کرد و با نثار خون خود، به آرمان های والایش وفادار ماند.

خطره تابناک این سه برادر قهرمان توده ای، برای همیشه دریاد زحمتکشان و همه رزمندگان توده ای، جاودان خواهد ماند.



از شهر، زمستان

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت،
سرها در گریان است.
کسی سر برپاراد کرد پاسخ گفت و دیدار یاران را.
نه که جز پیش وا را دید، تواند،
که ره تاریک و غزان است.
و گردست محبت سوی کسی بازی،
به اکراه آورد دست از بغل پیرون؛
که سرما سخت سوزان است
نفس، کر گرمگاه سینه ات آید پیرون، ایری شود تاریک.
چو دیوار ایستد در پیش چشمانت.
نفس کاینست، پس دیگر چه داری چشم
ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟
مسیحیان جوانفرد من، ای ترسای پیر پیرهن چرکینا
هوا پس ناجوگذرانه سردست... ای...
دمت گرم و سرت خوش باد!
سلام را تو پاسخ گویی، در بکشای

من من، میهمان هرشیت، لولی وش مفموم.
من من، سنگ تپیاخورد رفیور.
من، دشمن پست آفرینش، نفعه ناجور.

.....
سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت.

هوا دلکیر، درها بسته، سرها در گریان، دستها پنهان،

نفسها ابر، دلها خسته و غمگین،
درختان اسکلت‌های بلورآجین،
زمین مدلده، سفت آسمان کوتاه،
غبار‌الوده مهرو ماه،
زمستان است.

م. امید
۱۳۶۴ ماه

پتواعیان را کنار هم می اندازم. اطراف را از
زیرچشمبد می پائیم و نزدیک شروع به صحبت
می کنم. حسن هنوز از شهادت برادرش مطمئن نیست
و تمام این مدت را در انفرادی بوده است. من اما این
بار می دانم که پیکر نیمه جان برادرش رضا را در
کمیت مشترک به دار کشیده اند. این را از بچه های
که بعداً دستگیر شده اند شنیده ام و نمی دانم چه جوری
مطلوب را به حسن بکنم. باتوجه به رویه حسن
صلاح می دام خبر را به اطلاعش برسانم...
چند دقیقه ای سکوت می کند و باز با احتیاط
شروع به صحبت می کنم. می گوید: "هرچه می دانی
بکو، من از همه چیز بی خبرم. همش انفرادی بوده
ام".

صحبت ما چند ساعتی ادامه پیدا می کند. در عین
حال مواظب رفت و آمد نگهبانها هم مستیم. صحیح فردا
نگهبان اسم مرا صدا می کند. دست همیکر را محکم
می فشارم. حسن به تشهانه پایداری مشت های گره
کرده اش را نشانم می دهد و زیر لب می گوید:
"محکم باش رفیق".

نام دکتر پرویز ناتل خانلری نیز با
تاریخ معاصر زبان و ادبیات فارسی درآمیخته
است.
دکتر خانلری از جمله پایه گذاران مجله
سخن بود. به همت او و صادق هدایت و شهید
نو رانی و گروهی دیگر از نویسندهای از کار
این مجله وزین ادبی و منزی و اجتماعی انتشار
یافت و دکتر خانلری در تداوم کار آن نقش
برجسته ای ایفا کرد.

خانلری همچنین در تدارک اولین کنگره
نویسندهای ایران که در سال ۱۳۲۵ برگزار شد
خوش درخشید و از آن پس دور جدیدی از کار
تحقیقی گستردۀ در ادبیات فارسی را آغاز کرد.
فعالیت ادبی خانلری را می توان فصل مشترک
ادبیات کلاسیک و نو در ایران دانست. او از
تحول ادبی استقبال می کرد و در عنین حال ارزش
های ماندگار کلاسیک را ارج می نهاد. خانلری
همراه دوستانش در پیچه ای گشود بر مسائل و
افکار نو در ادبیات پس از جنگ جهانی دوم.
او صاحب رساله ها و مجموعه مقالات پژوهشی
پسیاری در زمینه زبان و ادبیات فارسی است.
کار او در عرصه دستور زبان و وزن شعر
فارسی و پیشنهاد اشن در این زمینه بر جستگی
و پیزه دارد. او شعر نیز می سرود و آخرین اثر
او نکوش تخلیلی و تطبیقی بر شعر حافظ می
پاشد که در دوجلد انتشار یافته است.
قدان این دو چهره بر جسته را که ضایعه
ای برای عرصه شعر و ادب ایران است به
خانواده و دوستان آنها و جامعه نویسندهای
شاعران و هنرمندان ایران تسلیت می گوییم.

مهدی اخوان ثالث از چهره های پرجسته
شعر معاصر فارسی پیزه طی دهه های ۲۰ تا
۵۰ بود که در تداوم و تکامل ارزش های شعر
نیمازی سهم بسزایی داشت. او در قالب
کلاسیک نیز شعر می سرود و در بحث و تحقیق
ادبی بخاطر احاطه بر ادبیات فارسی توانا
بود.

اخوان در شعر دارای سبک و زیان مستقل
و پیزه خود بود که دیگرانی را نیز تحت تأثیر
قرار داد و آثار متعددی به پیروی از سبک او
بوجود آمد. شعر اخوان در دوره مینی دارای
برد سیاسی خاص بود و پژوهش روش‌گذاری
و دانشجویی کشور تأثیر گسترده داشت.

م. امید بهار امسال مردمه چندتن دیگر
از شعراء و نویسندهای نامدار معاصر ایران
(شامل، دولت آبادی، گلشیری...) سفری به
خارج از کشور کرد و در تقویت ارتباط بین
جامعه هنرمندان و نویسندهای داخل و خارج
از کشور که تحت تأثیر اختناق و سرکوب
فرهنگی حاکم به ضعف گراییده است کوشش
نمود.

مهدی اخوان ثالث زندگیش را با معلمی
و همکاری با مطبوعات، رادیو و تلویزیون و
سینما در پیوند با ذوق هنری سرشارش در
عرضه سرایش شعر و پژوهش ادبی سپری
کرد. هنگام مرگ ۶۲ سال داشت.
از جمله آثار این شاعر توانا
مجموعه های شعر "زمستان"، "آخر شاهنامه"،
"ارشون"، "پائیز در زندان"، و "از این
اوستا"ست.

ماشین ها و مردم را می شنوم. یکی به آرامی سوت
می زند. قطمه ای از ابرای کواراطی. بعد از ساعتی
احساس می کنم به مقصد رسیده ام. پاسدارها در را
باز می کنند. یکی می گوید چشمبد هاتونو بردارید و
باید پاپین. چشمبد را که پیوی دارم، تورچشمان
را می زند و نگاهی به همیکر می اندازم. چند قدم آن
طرف تر حسن را می بینم. او به یک زندانی دیگر که
پاپش برایر شکنجه های باندیچی شده کمک می کند تا
از ماشین پیاده شود. جلو می روم. همیکر را
می بوسیم. نگهبان سرمی رسد:
"چشمبدها را بزنید و راه بینتید". نیزی

می گویم:
"- حسن این مدت‌ها کجا بودی؟"
"- انفرادی"
و سوال های من ادامه می یابد:
"- از برادرت چه خبر؟"
"- از رضا خبری ندارم، خیلی نگرام"
"- خانست چی؟ وضع حمل کرده؟"
"- آره"

"- ساحب پسرشیدی یا دختر؟"
"- پسر"
"- اسمش را چی گذاشتی؟"
"- ...
نگهبان سرمی رسد و ما را با خشوت جدا می کند.
زمستان سال ۶۳
... از فرست کوتاهی استفاده کرده با یکی از
رقای اکبریت که تازه دستگیر شده صحبت کوتاهی
دارم. خبرهای از بیرون زندان و از بندهای دیگر. او
می گوید:
"آنجا یک توده ای است که خیلی آدم محکمی
است. از گوهردشت برای بازجویی آوردهش".
به طرف دستشویی که به راه می اتمی کنار این
توده ای محکم" هست. از زیر چشمبد نگاهش می
کنم. می شناسم: حسن است، حسن محمدزاده.
دستش را می گیرم و می گویم "چطوری حسن؟
فلانی ام".
از دستشویی که برمی گردم برای خواب

تومان و برای تلفن ۲ هزار تومان و تلویزیون
رنگی ۲۵۰۰ تومان از من گرفتند.

خودکشی به علت فقر و گرانی در جوامند قصاب

محله جوامند قصاب واقع در جنوب غربی تهران یکی از محله های پرجمعیت تهران است. اکثر ساکنان محل را افرادی تشکیل می دهند که به علت سیاست های غلط رژیم در برخورد با مسئله کشاورزی از رستاهای خود کنده شده به ایند پیدا کردن کار و لقمه نانی راهی تهران شده اند. اکثریت مطلق اهالی جوامند قصاب زیرساپه رژیم "ولایت قیمه" حامی مستقیمان جهان زیر خط فقر زندگی می کنند.

در اواخر اسفند ماه ۶۸ زنی از ساکنان جوامند قصاب ابتدا دو گزند خود را در کانال گندابی که از این منطقه می گذرد غرق می کند و سپس خود را به دست آبهای کانال می سپارد. زن توسط عابرانی که متوجه جسمی غوطه ور در آب می شوند بخات داده می شود. زن بیچاره بعد از اینکه کمی به خود می آید با صدای بلند شروع به گریه کرده و می گوید، "وقتی که من در کشور خودم قادر نباشم شکم خود و فرزنداتم را سیریکنم و بجای نان و گوشت و... به دست ما کوین داده اند. چکونه می توان به این زندگی ادامه داد؟ سپس خطاب به بخات دهندگان خود گفت: "شما نکرم می کنید که به من لطف کردید که مرا از مرگ بخات دادید. نه، این بدترین کار در حق من بود. بچه هام از دست این زندگی راحت شدند. ولی شما تکذیت شدید که من هم خلاص شوم. من در اولین فرصت باز دست پخدکشی خواهم زد. مرگ بهتر است تا این زندگی."

با مختصر صحبتی که با زن صورت گرفت معلوم شد که او ابتدا تمام کوهنه و شناسنامه خود و فرزندانش را پاره کرده به کانال انداخته، بعد دو کودک خود را در آب غرق کرده و سپس قصد غرق کردن خود را داشته. جسد دو طفل حدودا سه و پنج ساله از لابلای لجن های کانال بیرون کشیده شد.

روانه کردن این زن نکون بخت به زندان یکانه کاری بود که گزمان رژیم انجام دادند.

کمترین امنیتی احساس نمی کنند. گزارشها حاکیست که آن دسته از آزادشدگان که در زمان اسارت و در شرایط ویژه اردوگاهها به تائید سیاست های رژیم صدام وادر شده اند مورد مراقبت و پیکرده ارگان های اطلاعاتی جمهوری اسلامی قرار می گیرند. ما اعمال این تضییقات علیه آزادشدگان را که نظایر آن توسط رژیم صدام نیز برای اسرای آزاد شده عراقی به عمل می آید محکوم می کنیم و تامین امنیت و حقوق شهروندی آزاد شدگان را طبق کتوانسیون های بین المللی و در انتباط با اعلامیه جهانی حقوق پسر از حقوق مسلم آنها می دانیم.



چشم راست من هم مبتلا به کم نوری شود. به دکتر معالج همسرم مراجمه کردم و صورتحساب را روپروری او گذاشتم. به او گفتم "خدا پدر هرچه آدم با انصافو بیامزه. دولابها حساب کرده اید به درک. این پول تلفن و تلویزیون رنگی دیگر چه صیغه ای است؟". از دکتر خواستم که اگر تلویزیون در اطاک بیمار وجود دارد به من نشان دهد. همچنین تلفن اطاک را. دکتر هم در کمال خوشنودی جواب داد که اگر تلویزیون و تلفن در اطاک بود که پولش دوپردازی می شد. من هم از کوره بدر رقت کنتم که پدرآمرزیده ها من اصلا در خانه تلفن ندارم که همسرم خواسته باشد با من تلفنی حرف بزند. بعد هم این بیچاره با این چشم که جلو پایش را نمی دید اگر هم تلویزیون بود به چه دردش می خورد و با چشم بسته و بی نور مگر می شود تلویزیون تماشا کرد.

دوباره دکتر به آرامی گفت: عصبانی نشود صورتحساب است و باید پرداخت. من هم گفتم می هدایم ولی بدون پول تلفن و تلویزیون.

بعد از مدتی جزویحث آقای دکتر گفت: من از دستمزد خودم سه هزار تومان نمی کیرم. ولی به هیچ وجه نمی شود به مبلغ نوشته شده باابت تلویزیون و تلفن دست زد. من هم گفتم که نه آقای دکتر من پول شما را تمام و کمال می دهم. ولی، دکتر مرا به کناری کشید و گفت: پدرجان زیاد داد و فریاد نکن و این ۵ هزار تومان پول زور است و باید بدھی چه بخواهی چه نخواهی دستور از بالاست و ما مجبور به گرفتن هستیم. اگر تلفن و تلویزیون نباشد بهانه دیگری باید پیدا می کردم. خلاصه آش کش خاله است.

دکتر از ۱۵ هزار تومان ۲ هزار تومان کسر کرد و ۱۲ هزار تومان باابت عمل جراحی گرفت. برای اطاک عمل و بیمه‌شی حدود ۱۰ هزار تومان و برای دو هفته بستری شدن ۲۵۰۰

در نامه هایی که اخیراً بدمستان رسیده از شیوه جدید سرکیسه کردن مسافران و بیماران توسط رژیم "ولایت قیمه" پرده برداشته شده که در اینجا به دونوئه اشاره می کنیم:

اخاذی هنگام خروج از کشور

مسافرانی که قصد سفر به خارج از کشور را دارند پس از پرداخت ۲۲۰۰ تومان بایت صدور پاسپورت، اگر با هواپیما به مسافرت پرورند باید با بت عوارض هوایی ۵ هزار تومان به اضافه ۲۰ هزار تومان با بت عوارض خروجی پردازند.

بعد از پرداخت این پولها در روز حرکت بلافضله پس از واردشدن به سالن ترانزیت از طرف ماموران سالن به مسافران گفته می شود که باید مبلغ ۱۰۰ تومان با بت عوارض سالن به باجه ای که در همان سالن قرارداده بپردازند و فیش آن را هنگام خروج از سالن به ماموران ارائه دهند.

واقعیت اینست که قیمت بلیط رفت و برگشت به کشورهای اروپای غربی مبلغ در حدود ۱۰ تا ۱۴ هزار تومان می شود. ولی دوپرداز این مبلغ را با ترفندهای مختلف از مسافران اخاذی می کند.

اخاذی در بیمارستان ها

یکی از آشنازیات تعریف می کرد که حدود یک سال پیش همسرم را به خاطر ناراحتی که بر چشم چیز عارض شده بود در بیمارستان مصطفی خمینی بستری کردم. بناهه تشخیص دکتر معالج باید چشم او عمل جراحی می شد. همسرم حدود دو هفته در بیمارستان بستری بود. بعد از بازگردان چشم جراحی شده، وقت پرداخت هزینه بیمارستان و دستمزد دکتر و فرا رسید. من هم خودم رسم گذشته روپرور شوم. یعنی هزینه بیمارستان - دستمزد دکتر، پول دکتر بیمه‌شی و هزینه اطاک عمل و در آخر پول تخت. با کمال تعجب در هائین پول تخت چشم به دو هزینه دیگر افتاد که از تعجب کم مانده بود

برخورد انسانی و حقوقی با اسیران جنگی نداشته اند و با زیربا کذاردن پیمانها و موافقنامه های بین المللی با آنها همانند زندانیان سیاسی خود رقابت کرده اند.

هر دو رژیم اسارتگاهها را به شکنجه گاههای تمام عیار تبدیل شودند و با اعمال خشونت تلاش ورزیدند تا شخصیت انسانی اسیران را لکدمال کنند و از آنها در راستای اهداف سیاسی خود حداکثر بهره برداری را به عمل آورند.

هم از این روست که در حال حاضر با پدیده در دنگ دیگری روپرور هستیم و آن اینکه گروهی اسارتگاههای جهنمی به هیچ وجه اغراق درمیان نیست. واقعیت تلخ آن است که در سالهای جنگ نه رژیم جمهوری اسلامی و نه رژیم عراق هیچ یک

آزاد شدگان ...

خانواده های بی خبر از سرنوشت آنها ، در انتظار آزادی اسیران روزشماری می کردند! ما خود را در اندوه این خانواده ها نیز شریک می دانیم.

با آزادی اسرا مرحله ای سراسر رنج از زندگی حدود ۱۰۰ هزار انسان در اسارتگاههای جهنمی پایان می پاید و آنها به سرزمین آبائی خویش بازمی گردند. وقتی می گوییم اسارتگاههای جهنمی به هیچ وجه اغراق درمیان از اسرا از بازگشت به میهن خود هراس دارند و از ناحیه رژیم های خودکامه تهران و بغداد

هانس مودرو،

سیاست وحدت به سیاست تسليم تبديل گردید

هانس مودرو، صدر افتخاری حزب سوسیالیسم دمکراتیک آلمان در سخنرانی خود در پلنوم هیئت رئیسه حزب اعلام داشت که سیاست احزاب حاکم فعلی و گذشته نشانگر عدم احسان مسئولیت می‌باشد.

بویژه این عدم احسان مسئولیت در ۲۳ ماه اوت، هنگامی که با توافق کامل روز سوم اکتبر، به عنوان روز اخلاق جمهوری آلمان دمکراتیک به آلمان فدرال پذیرفته شد، چهره خود را به غایش گذاشت. سیاست وحدت به سیاست تسليم تبدل گردید.

هانس مودرو گفت که از اینجا حزب سوسیالیسم دمکراتیک به این تیجه رسید که باید در مبارزه درون پارلمانی و بینون پارلمانی فعالتر شرکت کند. برای اینکه در این روزهای پایانی باقیمانده، تا حد ممکن منافع شهروندان آلمان دمکراتیک درنظر گرفته شود.

گریکور گیری، صدر حزب سوسیالیسم دمکراتیک، سخنرانی خود در پلنوم را به موضوع "دمکراسی زیرینانی و سیاست اهوزیسیون اختصاص داد. او گفت که منافع شهروندان باید فراتر از منافع احزاب قرار گیرد. سیاست چپ را باید نه تنها در خاک آلمان دمکراتیک، بلکه در مقیام سراسر آلمان به پیش برد.

در پلنوم تصمیم گرفته شد در روزهای ۱۵ و ۱۶ سپتامبر در برلین گردهمایی پیش از انتخابات سراسر آلمان "لیست چپ - حزب سوسیالیسم دمکراتیک" (آلمان دمکراتیک و آلمان فدرال) فراخوانده شود. پیش بینی می‌شود که در آن گردهمایی برنامه انتخاباتی مشترک پذیرفته شود. همچنین تصمیم گرفته شده است که روز ۱۶ سپتامبر، پس از پایان گردهمایی پیش از انتخاباتی کار اولین کنگره حزب سوسیالیسم دمکراتیک که در ماه فوریه برگزار شد، بنظر وارد کردن تغییراتی در اساسنامه حزب برای هموار کردن راه شرکت حزب را در انتخابات سراسری آلمان، ادامه یابد.

بلغارستان : demokrasi در معرض خطر

و شرکت کنندگان در آن را مورد پیکرد قانونی قرار دهد.

حزب سوسیالیست بلغارستان همچنان به مشی مسلط آمیز و عدم کاربرد زور اصرار می‌ورزد. حزب به همه اعضا خود و شهروندان بلغارستان که صلح و آینده دمکراسی برایشان ارزشمند است می‌خواهد که اعمال چنایتکارانه افراطیون سیاسی را محکوم کنند و راه را بررسانی که کشور را به بی‌نظمی و هرج و مرج و چنگ داخلی می‌کشاند، بینند.

تلف، رئیس جمهور کشور، پس از آنکه از خبر آتش سوزی آگاه شد، بتویه خود علی یک پیام رادیویی به شهروندان مراجعه کرد و این اقدام را نقص خشن نظم اجتماعی نامید که به هیچ وجه قابل توجیه نیست. دیگر احزاب سیاسی نیز از موضع رئیس جمهور در رابطه با عمل آتش سوزی پشتیبانی کردند.

در دیدار رئیس جمهور با نایاندگان احزاب سیاسی کاربرد زور محدود اعلام شد و خواست ریشه کن کردن آن از زندگی بلغارستان مورد تائید و تأکید قرار گرفت.

در پی این رویداد، گردهمایی چند هزار نفری توسط حزب سوسیالیست بلغارستان در میدان ۹ سپتامبر تشکیل شد. در این گردهمایی تعداد قابل ملاحظه ای از مخالفان نیز شرکت جستند که سعی در ایجاد مزاحمت برای سخنرانان می‌کردند. برایه حقیقت اولیه، اقدام به آتش سوزی مرکز حزب سوسیالیست بلغارستان طبق یک نقشه از پیش طرح ریزی شده انجام گرفته است.

شب ۲۶ اوت معروقین بنای بلغارستان، بنای کمیته مرکزی حزب سوسیالیست بلغارستان به آتش کشیده شد. موضوع از این قرار است که عده ای با سردادن فشارهای افراطی ضد کمونیستی و تحریک آمیز و دامن زدن به جنون ضد کمونیستی به ساختمان کمیته مرکزی حزب سوسیالیست بلغارستان به بهانه پایین کشیدن ستاره ۵ پر بالای ساختمان، هجوم برداشت و پس از در هم شکست صفت محافظان و داخل شدن به ساختمان، به شکست در و پنجه ها پرداختند و با بطری های آتش زا ساختمان را رفع نمودند.

لیوف، صدر هیئت رئیسه شورای عالی حزب سوسیالیست بلغارستان، در پیامی به اعضا نیروهای افراطی می‌تواند به نحو دیگری، نه به شکل چنایت علیه نظام اجتماعی و صلح ملی در کشور، از زیانی شود. در بلغارستان دمکراسی در معرض خطر قرار گرفته است. هدف این نیروها، کشاندن کشور به هرج و مرج و بی‌نظمی و در آخرین تحملی به چنگ داخلی است. رهبری حزب سوسیالیست بلغارستان این حمله وحشیانه و تبهکارانه را محکوم می‌کند. این عمل افراطیون سیاسی راست است که بسرعت رشد می‌کنند و خطر تبدیل آنها به نتوفاشیسم، تهدیدیست جدی.

در پیام آمده است که ما از رئیس جمهور و دولت کشور می‌خواهیم که سریعاً تدبیر جدی برای جلوگیری از این قبیل اقدامات بعمل آورد و محركان

سرکوب یگانه پاسخ

در پاناما اعراضات دانشجویی همه دانشکده های پاییخت و مدارس عالی دیگر شهرهای کشور را فرا گرفته است. دانشجویان اقدامات موثری در جهت رفع بحران اقتصادی - اجتماعی برای رعایت آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک، خانه دادن به اشغال نظامی از طرف ایالات متحده آمریکا طلب می‌کنند. زمامداران امور از مذکوره با دانشجویان سرو باز می‌زنند و یگانه پاسخ آنها به خواسته های بر حق دانشجویان سرکوب است.

تجهیز اتمی زیردریایی های اسرائیلی

فرماندهی نظامی اسرائیل مصمم است که قایق های زیردریایی خود را به موشک های بالدار مجهز کند. هدف اسرائیل تجهیز زیردریایی هایش به موشک های ساخت خود می‌باشد که قادرند کلاهکهای هسته ای را تا شما ۲۰۰ کیلو متر حمل کنند.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 327

September 4 1990

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

نامه
مردم

بها : ۲۰ ریال